

مقایسه‌ی مولفه‌های دینی و قرآنی در شعر دو شاعر انقلاب اسلامی علی موسوی گرمارودی و علی معلم دامغانی

زینب باقری نجف آباد^۱، فرزاد (جواد) عباسی^۲، سید حسین سیدی^۳، پروین دخت مشهور^۴
(تاریخ دریافت: ۹۷/۰۶/۱۵، تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۸/۲۴)

چکیده

شعر پدیده‌ای است هنری و برخاسته از احساس و اندیشه‌ای مشخص. از این رو به عنوان یکی از بارزترین حوزه‌های هنر متعهد برای دعوت مردم به اندیشه‌های دینی و آموزه‌های قرآنی مطرح است. در این مقاله مولفه‌های دینی و قرآنی در شعر دو شاعر انقلاب اسلامی (علی موسوی گرمارودی و علی معلم دامغانی) بر مبنای باورهای دینی، آداب و رسوم دینی (نماز، عبادت و ...)، علاقه و ارادت به بزرگان دینی، اخلاق اسلامی و اشارات قرآنی بررسی، نقد و مقایسه شده است. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که بسامد هر پنج مولفه و معیار تعیین شده در شعر هر دو شاعر بالاست و با توجه به ویژگی‌هایی از قبیل شخصیت مذهبی شاعر، خانواده‌ی متدینی که در آن رشد یافته است، مشارکت در مبارزات انقلاب اسلامی، کنش فعال در شکل‌گیری جریان هنر متعهد پس از انقلاب اسلامی، در غالب اشعار هر دو شاعر بستر مناسبی برای ارائه‌ی مولفه‌های دینی و قرآنی مورد مطالعه در این مقاله فراهم آمده است. همچنین از نظر کمیته‌ی در حالی که در شعر موسوی گرمارودی به باورهای دینی بیش از سایر مولفه‌ها توجه شده است در شعر معلم دامغانی اشارات قرآنی و به ویژه استفاده از قصص قرآنی نسبت به دیگر مولفه‌ها بسامد بالاتری دارد.

واژگان کلیدی

علی معلم دامغانی، علی موسوی گرمارودی، شعر انقلاب اسلامی، آموزه‌های قرآنی

۱- دانشجوی رشته ادبیات زبان فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد
۲- دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد ادبیات فارسی زبان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد
۳- دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد ادبیات فارسی زبان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد
۴- دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد ادبیات فارسی زبان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد

مقدمه

منتقدان اجتماعی از گذشته‌ی دور (به طور مفهومی از یونان باستان و به طور آکادمیک از اوایل قرن هیجدهم) بر این عقیده بوده‌اند که نویسندگان در خلاء فکری به نویسندگی نمی‌پردازند و حتی آنان که در حریم خلوت خویش قلم می‌زنند، از عقاید سیاسی، اقتصادی، فلسفی و مذهبی دنیایی که در آن تولد و رشد یافته‌اند قرار می‌گیرند و آثار ادبی ایشان عرصه‌ی بازتاب چنین تأثیری است.

باید در نظر داشت که آثار هنری، به ویژه شعر، همان گونه که نتیجه‌ی شناخت و تجربه‌های ذهنی و عینی شاعری است که در پیوند با تخیل و احساس خلق و با زبانی آهنگین و شکلی مناسب ارائه می‌شود متقابلاً با توجه به شرایط اجتماعی و در تعامل با آن خلق می‌شود و نیز بر حیات اجتماعی اثر می‌گذارد. «دنیایی را که نویسنده عرضه کرده، قدرت او را در ارائه‌ی تصویر قانع کننده‌ای از احساسات خاص و ارزش‌های حاکم بر جامعه و مهارت نویسنده در تشریح جناح بندی‌ها و طبقات درونی جامعه را به بوته‌ی بررسی و تحلیل می‌کشد» (ذوالفقاری، ۱۳۸۱ :

۲۱)

این موضوع به ویژه در شعر معاصر فارسی چشم نواز است چه اینکه هم زمان با تحول عمیقی که نیما یوشیج و شاعران پس از او در زبان و قالب شعر فارسی ایجاد کردند،

شعر فارسی از نظر محتوا نیز دگر گون شده و مولفه‌های اجتماعی و سیاسی بن مایه شعر شدند. در سال‌های مبارزات اجتماعی منتهی به انقلاب شکوهمند اسلامی و در سال‌های پس از انقلاب (دفاع مقدس) گروهی از شاعران متعهد به آرمان‌های انقلاب اسلامی و متعصب در قبال اندیشه‌ی دینی و باور مذهبی خویش جلوه‌هایی از آن چه در جامعه‌ی ایرانی می‌گذشت را به شعرشان تسری دادند.

از جمله این شاعران می‌توان از علی موسوی گرمارودی و علی معلم دامغانی نام برد که در این مقاله مولفه‌های دینی و قرآنی در شعر آنها به تفکیک بررسی و تحلیل و سپس با یکدیگر مقایسه و نقد می‌شود. انتخاب این دو شاعر از آن رو حائز اهمیت است که شاعر نخست (موسوی گرمارودی) در عرصه‌ی شعر نو و سپید پیشتاز است و شاعر دیگر (علی معلم دامغانی) در عرصه‌ی سنت شعر کهن فارسی و شعر موزون سرآمد اهل قلم به شمار می‌آید.

مولفه‌های دینی و قرآنی در شعر علی موسوی گرمارودی

بسامد بالای مولفه‌های دینی و قرآنی در شعر موسوی گرمارودی بر کسی پوشیده نیست. پیش از ورود به بررسی شعرش باید در نظر داشت که موسوی گرمارودی در خانواده‌ای متدین و علاقه‌مند به آموزه‌های قرآنی پرورش یافته است به گونه‌ای که او نخست نزد پدرش مقدمات

(علوم حوزوی) را فراگرفت او همزمان با تحصیل و رشد علمی و دینی در همان سال‌های نوجوانی به صف مبارزین با حکومت شاهنشاهی پیوست. و با شدت گرفتن مبارزه به وسیله ساواک دستگیر و نزدیک به چهار سال در زندانهای اوین و قصرحبس می‌شود پس از پیروزی انقلاب اسلامی علی موسوی گرما رودی مخصوصا به واسطه‌ی رابطه‌ی نزدیکی که با برخی از مبارزین قبل از انقلاب و دولتمردان پس از انقلاب داشت در سامان یافتن نخله‌ی ادبیات متعهد و کمک به رشد و پرورش شاعران انقلابی و متعهد نسل‌های بعدی نقش عمده‌ای ایفا کرده است. از موسوی گرما رودی دفتر شعر و گزیده شعر فراوان منتشر شده که سرود رگبار عبور، در سایه سار نخل ولایت، چمن لاله، خط خون، تا ناکجا، دستچین، صدای سبز از آن جمله‌اند. در سال ۱۳۸۹ مجموعه کامل آثار گرما رودی در قالب چهار جلد با عناوین خواب ارغوانی، بر آشفتن گیسوی تاک، تا محراب آن دو ابرو و سفر به فطرت گل و سنگ منتشر شده است که در واقع تدوین منتخب آثار همان دفترهای قبلی است و در این مقاله استفاده شده است.

باورهای دینی

شعر گرما رودی، از دیدگاه باورهای دینی، یک‌سره بیان شاعرانه‌ی زیبایی نظام همگن اندیشه‌های معنوی اوست. گرما رودی که از سال‌های نوجوانی در مکتب انقلاب اسلامی و

در مبارزه با رژیم شاهنشاهی نقش آفرین بوده است، را باید صاحب مکتب معنوی خاصی در شعر دانست که حاصل آمیزش باورهای دینی با استعداد و ذوق ادبی بی‌همتای اوست. باورهای دینی آن چنان صمیمی و عاشقانه در شعرش زیسته و چنان در آن فرو رفته و با آن در آمیخته و شاعر با چنان توانایی و زیبایی آن را تصویر کرده است که شعر او بدون اندیشه‌ی او اندیشه‌ی او بدون کالبد هنری آن، تصویر ناپذیر است. در مجموع مولفه‌ی باورهای دینی از مولفه‌های پر بسامد در شعر موسوی گرما رودی است که پرورش یافتن در خانواده‌ای متدین، شرکت فعال در مبارزات انقلابی و فعالیت‌های سیاسی منتهی به انقلاب اسلامی، آشنایی و معاشرت با شاعران متعهد ادبیات انقلاب اسلامی و استفاده از رهنمودهای بنیانگذار انقلاب اسلامی و رهبر معظم انقلاب نسبت به هنر متعهد را می‌توان مهم‌ترین دلایل بسامد بالای مولفه باورهای دینی در شعر وی دانست.

همچنین مولفه‌ی دینی در شعر موسوی گرما رودی از طریق نشانه‌های زیر قابل شناسایی است:

استفاده از مناظر طبیعی

در دفتر «تا محراب آن دو ابرو» علی موسوی گرما رودی برای القای باورهای دینی اش از نشانه‌های و تصویرهای طبیعت بهره می‌جوید، چه این که در باور دینی او هر آنچه زیبایی در

باران و در بهاران است بیتی از غزل الهی است:
بیا تا شعر باران را بخوانیم

چو باران اشک شادی برفشانیم

غزل‌های خدا رنگین سرود است

گهی جو بارک و گاه، رود است

(تا محراب آن دو ابرو: ۹)

اشاره به پیشینه‌ی دین مداری در وطن

در شعر دیگری از همین دفتر او سرزمین
خویش را «سرزمین علم و دین» می‌داند که
نشان دهنده‌ی جایگاه رفیع باورهای دینی در
اندیشه‌ی شعری اوست:

من میهنم ایران زمین را دوست دارم

این سرزمین علم و دین را دوست دارم

(تا محراب آن دو ابرو: ۳۲)

وحدت مردم از طریق باورهای دینی مشترک

او همچنین در این دفتر، وحدت و یگانگی در
بین مردم را بر مبنای باورهای دینی (باور به
اسلام و قرآن) تبیین می‌کند:

ما مرزبان بودیم و اینجا، مرز دل بود

پیوندمان اینجا، نه تنها آب و گل بود؛

پیوندمان اسلام و قرآن بود، دین بود

آری برادر، این چنین بود، این چنین بود

(تا محراب آن دو ابرو: ۳۵)

در دفتر «خواب ارغوانی» که برخی از شعرهای

آن اشاره به مبارزات انقلابی با رژیم شاهنشاهی

دارد، موسوی گرمارودی باور عمیق دینی را

فصل مشترک مبارزان می‌داند. فصل مشترکی

که باعث می‌شود راوی شعر از «من» به «ما»

تغییر کند و با توجه به وعده‌هایی که در باور
دینی اش در قبال مبارزه و انتظار پیروزی داده
شده است، امیدوارانه مقاومت می‌کند:

سنگ‌های فتنه

از دورترین جایگاه ترس

به پیشانی مردانه شهر می‌خورد

و همه خون پیشانی را پاک می‌کنیم

و در باغچه ناگهان شقایق می‌روید

و کنار آن سپیدار

کرکس‌ها

یک لحظه

چهره آفتاب را می‌پوشاند

همه سر بر می‌آوریم

و تابش انبوه خورشیدهای نگاه

بال کرکس‌ها را می‌سوزاند

و شهر هزار خورشید لبخند می‌زند (خواب ارغوانی

:۱۱۳)

انتظار ظهور

موسوی گرمارودی نهایت سعادت و خوشبختی

حکومت اسلامی را اتصال آن به ظهور حضرت

مهدی می‌داند. از این رو جامعه را امت پیروان

مهدی دانسته و از تقویت روحیه ملی و مقابله

با بی‌تفاوتی‌ها به عنوان ابزاری برای زمینه

سازی بستر ظهور حضرت مهدی (باور دینی)

یاد می‌کند:

بگو به مهدی دین پرورت که باز آید

که تا جهان برهد از شراره‌های فتن

(خواب ارغوانی: ۹۹)

آداب و رسوم دینی (نماز، عبادت و ...)

در شعر موسوی گرمارودی علاوه بر اینکه باورهای دینی در اندیشه‌ی شعر رسوخ کرده است، آداب و رسوم دینی شاعر به عنوان فردی مومن نیز در واژگان و تعبیر شعر مشاهده می‌شود. با توجه به شخصیت مذهبی و اعتقاد راسخ به آموزه‌های قرآن و مبانی دینی، بدیهی است که چنین فردی در اجرای تکالیف دینی مقید باشد و از آن جایی که شعر وصف حال درونی شاعر است، آداب و رفتار دینی موسوی گرمارودی در شعرش تجلی می‌یابد. مهم ترین نشانه‌های مولفه‌ی آداب و رسوم دینی در شعر وی عبارتند از:

نماز

او در شعر مشهور «خط خون» در تصویرگری خویش اشاره به «نماز» و «نیت» دارد: تو فراتر از حمیتی نمازی، نیتی (گزیده شعر: ۸)

در دفتر «برآشفتن گیسوی تاک»، ضمن تقدس بخشیدن به امر شاعری آن را همانند نماز، جواب دادن به لطف الهی می‌داند: شعر آهنگ گرم بیداری ست

از چه رو شعر خواب باید گفت
لاجرم آنچه گفته‌ای روزی

با خدایت جواب باید گفت
(برآشفتن گیسوی تاک : ۴۲)

شکرگزاری

در دفتر «سفر به فطرت گل و سنگ»، شکر

گزاری به عنوان یکی از آداب دینی در شعر او مشاهده می‌شود:

صد شکر که آن حال بسی دیر نپایید واحوال
بگرید و بدیدی تو نهان را (سفر به فطرت گل
و سنگ: ۲۰۵)

دعا

«دعا» یکی دیگر از آداب دینی است که در شعر موسوی گرمارودی مشاهده می‌شود: الهی از تو دور افتاده ام دور

تو نزدیک من و من از تو مهجور
تو خواب سبز دشتی در بهاران
تو را آییه دارند آبشاران
(خواب ارغوانی : ۶۴)

و نیز:

خدایا مرا به گون‌ها باز گردان
مرا به کوچک ترین پرنده غریب
در ناشناخته ترین بیشه
ببخش

مرا به فطرت خویش بازگردان
راستی را، کجا می‌رویم؟ (خواب ارغوانی: ۱۳۸)

علاقه و ارادت به بزرگان دینی

علاقه و ارادت شدیدی که موسوی گرمارودی به بزرگان دینی دارد، از دیگر مولفه‌های دینی و قرآنی در شعر اوست. موفق‌ترین و بهترین نمونه‌های شعرش، شعرهایی در وصف امام حسین (ع) و امام علی (ع) باشد:

درختان را دوست می‌دارم
که به احترام تو قیام کرده اند،

و آب را
که مهر مادر توست.

به خشکی پا می گذاشت
و به میهمانی سگ‌های آواره
در مزبله‌ها می‌رفت (خواب ارغوانی: ۱۱۶)

پایان سخن

پایان من است

تو انتها نداری (گزیده شعر: ۲)

و در ادامه همین شعر بحث را به جنگ و
ارزش‌های آن می‌داند و اینکه شاعر و امثال
شاعر در مقابل خون شهدایی که در راه حفظ
آزادی جان باخته‌اند مسئولند:

سنگینی تابوت شهید!

برگرده‌ی من است. (خواب ارغوانی: ۱۱۷)

در دفتر «سفر به فطرت گل و سنگ» علی
موسوی گرمارودی نیز به طور خاص به ستایش
از بزرگان دینی برمی‌خیزد. به عنوان نمونه در
یکی از شعرهایش از تلاش‌های مبارزین قبل
از انقلاب از آن‌ها به نیکی یاد می‌کند. او در
این شعر اشاره به رشادت‌ها و دلاورمردی‌های
شهید سید حسن مدرس در مبارزه با طاغوت
رضاخانی دارد و او را از منظر مبارزه به پیامبران
الهی تشبیه می‌کند:

باز به پا خیزای مدرّس و بنگر

حال ستم را ببین و حال ستمگر

چند چرا خفته‌ای به کاشمر، آرام

تا که ببینی سری برآور و بنگر

آنکه تو را کشت، ننگ بوله‌بی برد

نام تو برجاست همچو نام پیامبر

(سفر به فطرت گل سنگ: ۵۸)

اخلاق اسلامی

شعر موسوی گرمارودی هر گاه جنبه‌ی تعلیمی
یا متعهد پیدا کند، آموزه‌های اسلامی و اندرزهای

در دفتر شعر «تامحراب آن دو ابرو» که شامل
مثنوی، ترکیب و رباعی می‌شود، علی موسوی
گرمارودی در شعر خویش به طور مستقیم یا
تلویحی همواره آزادی و آزادگی بزرگان دینی
را می‌ستاید قهرمانان آثار او افرادی هستند که
علاوه بر اینکه آزاد هستند آزاده نیز هستند:

جوانان رزمنده سرخروی

همه میهنی مرد و آزاده خوی

زبیداد او خفته اینک به خاک

تن و سینه و سر همه چاک چاک

(تامحراب آن دو ابرو: ۱۶)

در همین دفتر شعر او آزادی و آزادگی مبارزان
و قهرمانانش در ایران معاصر را به قهرمانان
واقعه‌ی کربلا تشبیه می‌کند. وجه شبه ایستادگی،
استواری و آزادگی است:

آنچه تو کردی به صف کربلا کرده مخلوق و به رنگ خدا؟

آن همه غم، آن همه استادگی آن همه ستوارگی و آزادگی

(تامحراب آن دو ابرو: ۴۹)

دفتر «خواب ارغوانی» که شامل شعر دفاع

مقدس است نیز موسوی گرمارودی تاکید

بزرگان دینی بر آزادی و ارزش آن را نیز از یاد

نبرده است:

کاش، ماهی آزاد



قرآنی مطرح شده است. در ادامه مهم ترین نشانه‌های اخلاق اسلامی در شعر وی به تفکیک معرفی می‌شود:

دوری از کینه جویی

در دفتر «خواب ارغوانی» او طبق اخلاق اسلامی، مردم را از کینه بر حذر می‌دارد و به مهربانی و محبت دعوت می‌نماید که رمز وحدت است:

در آسمان شهر

قلب کینه می‌ترکد

و تکه‌های سربی اخم

روی دست‌های مهربانی

تا ول می‌نشانند

و ما می‌ایستیم

و آهنگ بیداری را

یکصدا زمزمه می‌کنیم (خواب ارغوانی: ۱۱۲)

معرفی انسان کامل

در شعر دیگری در این دفتر، موسوی گرما رودی تعریف کاملی از انسان آزاده از منظر خویش ارائه می‌دهد:

این گونه زیستن:

ابریشمین چو شرم

قاطع، چو رشته‌های باران

روشن، چو آفتاب خنده کودک

مغرور

چون گردن و نگاه گوزنان

در جنگل جوانی و ماندن

چون انفجار

در خود فشردن

در خودگشودن
در خود شکستن با فریاد
با اختیار مرگ
آزاده زیستن

در ارغوان پاک شهادت. (خواب ارغوانی: ۱۲۳)

پیوند کرامت انسانی با طبیعت

در این شعر شاعر برای انواع صفات والای انسانی تصاویر بکر و بدیع از طبیعت ارائه می‌کند و در نهایت تجلی تمام این صفات را در انسان آزاده می‌بیند انسانی که با نثار خون خویش به اصالت وجود خویش معنی می‌بخشد.

شب است و شب، سیاهی و سیاهی

غم و غم، بی‌پناهی، بی‌پناهی

ریا برگرد دل‌ها بسته پرچین

به ژرف چشم‌ها، بیزاری و کین

نهال مردمی از بیخ چیده

شرف در کنج غم، عزلت گزیده

چراغ راستی هم بی‌فروغ است

چراغی نیست خود، این هم دروغ است

فروغ ایزدی خاموش مانده

ز خوبی گفته‌ای در گوش مانده

(تا محراب آن دو ابرو: ۲۶)

تقیح زور و زر و تزویر

در شعر دیگری در این کتاب نسبت به غرق شدن جامعه در سه محور زور و زر و تزویر هشدار می‌دهد:

در سه محور: زور، زر و تزویر عامل مکر و

ظلم و فسادند (خواب ارغوانی: ۲۳)

اشارات قرآنی

در شعر موسوی گرمارودی اشارات قرآنی به تکرار مشاهده می‌شود. گاهی قصص قرآنی مبنای تصویرگری شاعر می‌شود. در دفتر «تا محراب آن دو ابرو» شاعر اشاره به داستان هدهد و حضرت سلیمان دارد:

آن سلیمان خاطر و دل ما

عشق را برگزید در سینا

هدهد عشق بود و پیران شد

به همین خاطر او سلیمان شد

(تا محراب آن دو ابرو: ۲۲)

در شعر «خط خون» نیز به قرآن اشاره می‌شود

و امام حسین بدان تشبیه می‌شود:

تو قرآن سرخی

«خون آیه»‌های دل‌آوریت را

بر پوست کشیده‌ی صحرا نوشتی

و نوشتارها

مزرعه‌ای شد

با خوشه‌های سرخ. (خواب ارغوانی: ۴۹)

همچنین تأکیدی که بر رنگ سبز در شعر موسوی گرمارودی می‌شود می‌تواند اشارت قرآنی داشته باشد:

آه ای سبز، ای سبز سرخ. (خواب ارغوانی: ۴۳)

«منظور از آوردن رنگ سبز، اشاره به حیات جاوید شهید دارد که «و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احياء عند ربهم یرزقون» (آل عمران، ۱۶۹) و سرخی «که نماد شهادت است» نشانه‌ی سرور و شادابی شهید از شهادت

است؛ زیرا سرخی چهره بیانگر رضایت کامل واصل به پیشگاه محبوب است»

مولفه‌های دینی و قرآنی در شعر علی معلم دامغانی

استاد علی معلم دامغانی چهره‌ی دیگری است که مولفه‌های دینی و قرآنی شالوده و جان مایه‌ی شعر وی را می‌سازد. او در سال ۱۳۳۰ در دامغان متولد شد. پس از اخذ دیپلم درسمان و شاهرود به تحصیل در دانشکده‌های حقوق و ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران پرداخت. و از آن پس به مطالعه آزاد در این زمینه به ویژه سرودن اشعار انقلابی پرداخت. وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ از وقایع مهم روزگار زندگی علی معلم دامغانی بود که به محتوای اشعار وی تأثیری اساسی داشته است. وی پس از انقلاب علاوه بر تدریس و تحقیق در شعر، موسیقی و ادبیات، معاونت فرهنگی حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، عضو شورای شعر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و رییس مرکز موسیقی سازمان صدا و سیما بوده است. رجعت سرخ ستاره، گزیده اشعار و شاعر قبیله‌ی ما از جمله آثاری است که شعرهای وی در آنها منتشر و در این مقاله استفاده شده است.

باورهای دینی

علی معلم دامغانی بوطیقای شعری‌اش را بر باور دینی و آن چه خود آن را دیدگاه قرآنی نامیده، بنا کرده است: «اکنون در دوره‌ای زندگی

می‌کنیم که از لحاظ فرهنگی، تمام ذخیره‌های گذشته به کارمان می‌آید؛ یعنی تمام اساطیر، قصه‌های پهلوانی و افسانه‌ها» با دیدگاه قرآنی و نسبت درستی که با آن‌ها برقرار می‌کنیم، می‌تواند مورد استفاده باشد» (معلم دامغانی، ۱۳۷۴ : ۷).

معلم دامغانی با زبان فاخر خویش، باور دینی اش مبنی بر اتحاد جامعه اسلامی و حرکت در زیر پرچم ولایت را بن‌مایه‌ی شعرش قرار می‌دهد و برای اثر گذاری شعر خویش نقبی می‌زد به ماجراهای صدر اسلام:

دربغ است از ولی اما ولی تنه‌است بی‌مردم

لی، آری علی، حتی «علی» تنه‌است بی‌مردم
برای دفع دیوانی که آغالیده‌اید آنک

عقیم از مصطفی زادن هبل بالیده‌اید آنک
الا یا قومنا قوموا اذا الصبح مصباحا

لنا فی الصبح آثار؛ ألیس الصبح إصباحا؟
(شاعر قبیله ما : ۱)

آداب و رسوم دینی (نماز، عبادت و ...)

آداب و رسوم دینی (نماز، عبادت و ...) از مولفه‌های دینی پر بسامد در شعر علی معلم دامغانی است که از طریق نشانه‌های زیر شناسایی می‌شود

رفتار وحدت‌گرایانه با وجود گوناگونی مذاهب در دفتر «شاعر قبیله ما»، گوناگونی مذاهب و انشعاب‌های دین که عمده‌ی تمایز آنها در آداب و رسوم دینی خلاصه می‌شود، دستمایه‌ی

توصیف و تصویرگری قرار گرفته است:

صبح امکان محال است در عالم امروز

حشر ریایات جلال است در عالم امروز

گیتی از اشتلم شیعیه دژم خواهد شد

جیش سنی و اباضیه به هم خواهد شد

زیدی و مالکی افسانه دگر خواهد کرد

شافعی و حنفی ترک سمر خواهد کرد

هله رعد است، هلا برق به پا خواهد خاست

أمت واحده از شرق به پا خواهد خاست

(شاعر قبیله ما : ۱۳)

سوگند قرآنی

او همچنین طبق آداب دینی، مخاطب خویش را به خدا سوگند می‌دهند:

بی درد مردم، ما خدا، بی درد مردم

نامرد مردم، ما خدا، نامرد مردم

(رجعت ستاره‌ها : ۲۹)

حواله دادن به روز قیامت یکی دیگر از آداب

دینی است که در شعر معلم مشاهده می‌شود:

چون بیوگان ننگ سلامت ماند بر ما

تاوان این خون تا قیامت ماند بر ما

(رجعت سرخ ستاره‌ها: ۳۷)

سوگند قرآنی، از دیگر آداب دینی است که در شعر معلم دامغانی مشاهده می‌شود:

به شهوت شب محتوم چون فرو گیرد

شبی که بستر آب از ستاره شو گیرد

مگو به یأس برادر که رنگ شب تازه است

قسم به فجر، قسم، صبح پشت دروازه است

(رجعت سرخ ستاره‌ها : ۱۳)

علاقه و ارادت به بزرگان دینی

علاقه و ارادت به بزرگان دینی، بن مایه‌ی اصلی سرایش مثنوی «تاوان این خون تا قیامت ماند بر ما» و ماندگاری آن به عنوان یکی از شاخص‌ترین آثار معلم دامغانی است در ابتدای این مثنوی ایثارگری و جانبازی در کربلا به زیبایی نمایان می‌شود:

روزی که در جام شفق مل کرد خورشید،

بر خشک‌چوب نیزه‌ها گل کرد خورشید

شید و شفق را چون صدف در آب دیدم

خورشید را بر نیزه، گویی خواب دیدم

خورشید را بر نیزه؟ آری، این چنین است

خورشید را بر نیزه دیدن سهمگین است

بر صخره از سیب زنج، بر می‌توان دید

خورشید را بر نیزه کمتر می‌توان دید

(رجعت ستاره‌ها : ۲۹)

معلم در این مثنوی ضمن ابراز ارادت به امام

حسین و دیگر عاشوراییان، تلاش کرده است

تا روحیه‌ی ایثارگری و آزاده خواهی مسلمان

امروزی را متأثر از آنها بداند:

از پا حسین افتاد و ما بر پای بودیم

زینب اسیری رفت و ما بر جای بودیم

از دست ما بر ریگ صحرا نطع کردند

دست علمدار خدا را قطع کردند

نوباوگان مصطفی را سر بریدند

مرغان بستان خدا را سر بریدند

(رجعت سرخ ستاره‌ها : ۳۷)

در این مثنوی از دیگر بزرگان دینی مانند

حضرت زهرا (س) نیز یاد می‌شود:

در برگ ریز باغ زهرا برگ کردیم

زنجیر خاییدیم و صبر مرگ کردیم

(رجعت سرخ ستاره‌ها : ۳۷)

حضرت علی (ع) از دیگر بزرگان دینی است

که در شعر معلم به آنها عرض ارادت شده است:

مویه‌گر بود، به مظلومی حق باور داشت

شاهدم انس عجیبی است که با حیدر داشت

از جهولان گله می‌کرد که ناهلانند

دشمن بولحکمان بود که بوجهلانند

(شاعر قبیله ما : ۳)

اخلاق اسلامی

اخلاق اسلامی در شعر علی معلم دامغانی

بیشتر با مفاهیمی از نوع دعوت به پارسایی،

پرهیز از نادرستی‌ها، دعوت به وحدت و نفی

کجروی و نیز پیوند با پیشوایان دینی و اجتماعی،

ارایه می‌شود:

قسم به عصر که پیوسته پوی آواره ست

که بر بساط زمین آدمی زیانکاره ست

جز آن قبیله که پیوسته‌ی تولایند

نخفته‌اند و میان بسته‌اند و با مایند

شب از حضيض نهران سوی اوج می‌آیند

چو وقت وقت رسد فوج فوج می‌آیند

قسم به صبر و صفاتشان به رأیشان سوگند

به هیمنه‌ی نفس اسب‌هایشان سوگند

که گرد ظلمت شب را ز باره می‌شویند

به خون تازه زمین را دوباره می‌شویند

(رجعت سرخ ستاره‌ها : ۱۵-۱۷)

اشارات قرآنی

در شعر معلم دامغانی، اشارات قرآنی متعددی مشاهده می‌شود:

اشاره به داستان هابیل و قابیل از قصص انبیا در قرآن:

من زخم دار تیغ قابیلم، برادر

میراث خوار رنج هایبلم، برادر!

اشاره به داستان یوسف و داستان یحیی از قصص انبیا در قرآن:

یوسف مرا فرزند مادر بود در چاه

یحیی! مرا یحیی برادر بود در چاه

اشاره به داستان موسی و داستان عیسی از قصص انبیا در قرآن:

از نیل با موسی بیابانگرد بودم

بر دار با عیسی شریک درد بودم

اشاره به داستان پیامبر اکرم از قصص انبیا در قرآن:

من با محمد از یتیمی عهد کردم

با عاشقی میثاق خون در مهد کردم

(رجعت ستاره‌ها : ۳۵)

همچنین در شعر علی معلم گاهی به اسامی قرآنی اشاره شده است.

در بیت زیر از «قارعه» و «قاف» (نام دو سوره‌ی قرآن) یاد شده است:

سفر به قارعه ماند به قاف حکمت قرآن

چنان که قصه‌ی سیمرغ در فسانه‌ی داستان

در بیت زیر از «نجد» (نام سوره‌ی قرآن) یاد

شده است:

به نجد بر اثر لیلی از نخيله سفر کن

شبی به عادت مجنون این قبیله سفر کن

در بیت زیر از «عقرب» (نام دو سوره‌ی قرآن)

یاد شده است:

به دست گیری مردان به نام نیک تمیزان

شبی ز فتنه‌ی عقرب درآ به خانه‌ی میزان

در بیت زیر از «میزان» (نام دو سوره‌ی قرآن)

یاد شده است:

شبی به نام تفرج به بیکرانه‌ی قرآن

به ناخدایی طبعش درآ به کشتی «میزان»

(رجعت سرخ ستاره‌ها: ۸۰ و ۸۲)

هاجر فراز قله‌ی غمناک ایستاده

بر صخره‌ی ابراهیم چالاک ایستاده

در بیت زیر از «لوط» (نام سوره‌ی قرآن) یاد

شده است:

مر لوط را بر قوم خود قیوم کردند

او را به هجرت راهی سدوم کردند

در بیت زیر از «کنعان» (نام سوره‌ی قرآن)

یاد شده است:

طالب به کنعان آمد و مطلوب را برد

سودای راحیل آمد و یعقوب را برد

(رجعت سرخ ستاره: ۱۰۸ - ۱۳۵)

مقایسه و تحلیل

علی موسوی گرمارودی کارکردی نو به استفاده از نماد در شعر می‌دهد. عمده‌ترین

هدف او در استفاده از مفاهیم و مضامین دینی و نمادپردازی‌های رننگن، اهداف سیاسی و

اجتماعی و برآوردن فریاد اعتراض بر ظلمت

جامعه و بی‌عدالتیها و مفسده‌های حکومت و در بعد از انقلاب، بیشتر در خدمت تمجید از ایثارگری‌ها، از خود گذشتگی‌ها، صداقت، صفا و صمیمیت، الگو سازی برای قشر عظیم جوانان تشنه‌ی حقایق بوده است.

علی معلم دامغانی را می‌توان استاد گنج‌نابیند مفاهیم بلند و حکایات دامنه دار در بطن مکتب و بیان ویژگی‌های انسان‌های بزرگ و کارهای سترگ آن‌ها در قالب مثنوی دانست. تلاش وی برای تلفیق عرفان و حماسه و به کارگیری کلام ادیبانه و قدیمی برای بیان مفاهیم جدید در شعر فارسی قرن چهاردهم، منجر به زایش دوباره مثنوی در شعر معاصر و ادبیات مقاومت شده است. شعر گرمارودی، از دیدگاه باورهای دینی، یک‌سره بیان شاعرانه‌ی زیبایی نظام همگن اندیشه‌های معنوی اوست از سوی دیگر علی معلم دامغانی، باورهای مذهبی در آمیخته با ریاکاری را مورد نکوهش قرار می‌دهد و با بال خیال می‌خواهد تا تماشای خدا پرواز کند. در سروده‌های دیگر، خداوند دارنده دل و جان است و وجود خدا را در مظاهر طبیعت می‌توان دید.

به نظر می‌رسد باور دینی موسوی گرمارودی نوعی اخلاق‌گرایی است مبنی بر این که باید از کینه‌ها و تزاحم‌ها و حسدها دست شست و نباید برایش توجیه منطقی یا فلسفی آورد در حالی که معلم دامغانی گاهی ویژگی‌های انسان را به خدا نسبت می‌دهد و در واقع وجود انسان را آینه‌ای

می‌داند که قدرت و دانش الهی را نشان می‌دهد. موسوی گرمارودی اگر چه مستقیماً به قرآن و احادیث اشاره‌ای ندارد اما شاعری است که اندیشه‌های قرآن و دین را در کمال شعری خود بیان می‌کند. او در جهان فکری اش فاصله‌ی میان قرآن، انجیل و متون دینی دیگر را پر می‌کند. از سوی دیگر علی معلم در برخی مثنوی‌هایش از آداب و رسوم مذهبی آشنایی‌زدایی می‌کند و در برخی دیگر از شعرهایش مسایل و مشکلات اجتماعی را از جمله دلایل تضعیف باورهای مذهبی مردم می‌داند: معلم در توصیفی که از مردمان روستایی ارائه می‌دهد یکی از نکات برجسته‌ی ایشان را به جا آوردن اعمال مذهبی می‌داند.

موسوی گرمارودی خدا را آشکار می‌بیند و نیروی جاذبه غیب را در ذره ذره زیبایی‌های هستی حس می‌کند او در طبیعت خدا را می‌بیند و عبادت می‌کند. معلم نیز همانند موسوی گرمارودی طبیعت را در حال پرستش خدا و خواندن نماز می‌بیند گاهی نیز در حالتی عارفانه، خود را به مقررات و اصول عبادت پایبند نمی‌بیند و سخن از پرستش با راه و روشی دیگر می‌کند. موسوی گرمارودی از علاقه و احترام به بزرگان دینی واقف و در سلوکش در شعر صحبت از مرید بزرگان شدن و اظهار ارادت به آنان است، مشاهده می‌شود که موسوی گرمارودی در عمر شاعری اش همچنان بدنبال پیرو مرشد دینی

به عنوان ناجی خویش می‌گردد.

علی معلم دامغانی در شعر خویش عطر و بوی خوش گل‌ها را به پیامبر نسبت می‌دهد و بسیار از روز آمدن امام عصر (عج) سخن می‌گوید هم از این روست که او پیروزی واقعی را ظهور امام زمان می‌داند. در شعر او همواره به بزرگان دینی عرض ارادت و احترام می‌شود. اگر چه گاهی نیز قهرمانان ملی و باستانی ستایش می‌شوند اما بی‌تردید جایگاه اهل بیت و شخصیت‌های قرآنی ممتاز است.

در شعر دو شاعر مورد مطالعه، همواره جامعه در شکل‌گیری مولفه‌های دینی و قرآنی حضوری بدون واسطه و پررنگ دارد. در آثار این شاعران حضور یا غیاب مردم در تخیل و توصیف، اندیشه و موقعیت‌های مکانی و زمانی مرتبط با باور یا رفتار دینی به وفور مشاهده می‌شود که بر توجه آگاهانه هر دو شاعر به جامعه‌ی دین‌محور ایرانی و ارائه‌ی شعرشان در بستر اجتماع و در پیوند با آموزه‌های قرآنی دلالت دارد.

آداب و رسوم دینی مردم به عنوان یکی از مولفه‌های دینی و قرآنی پر بسامد در شعر این دو شاعر است. مقصود از آداب و رسوم دینی ادر این پژوهش، نگرانی‌ها، دلمشغولی‌ها و تفکرات دینی شاعر در ارتباط با نقش و حضورش در جامعه و در پیوند با خدای خویش است. رواج آداب و رسوم دینی از سوی شاعران متعهد می‌تواند به ارتقای فرهنگی و فرهیختگی جامعه و گسترش

آموزه‌های قرآنی بین مردم کمک کند.

«اخلاق اسلامی» مولفه‌ی دیگری است که در بررسی مولفه‌های دینی و قرآنی شاعران مورد مطالعه حائز اهمیت است. یکپارچگی جامعه‌ی اسلامی در مواقع بحران‌های سیاسی و اجتماعی داخلی و خارجی، ترویج و گسترش روحیه همدلی و همدردی در معاشرت‌های اجتماعی مسلمانان، ستایش دلاوری‌ها و حماسه‌ شکوه رزمندگان، جانبازان و آزادگان، پرهیز از هر گونه کینه‌جویی و تفرقه‌افکنی و مفاخره به مقام امام (ره) و شهیدان و ستایش عظمت و استقامت پدران و مادران شهدا از نشانه‌های پایبندی به «اخلاق اسلامی» در شعر این دو شاعر است.

شاعران مورد مطالعه به طور مستقیم و تلویحی همواره آزادی و آزادگی را می‌ستایند قهرمانان آنها افرادی هستند که علاوه بر اینکه آزاد هستند آزاده نیز هستند. اگر چه در موارد معدودی آنها قهرمانان و الگوهای خویش را از اسطوره‌های ملی ایرانی مثال می‌زنند اما مصداق‌های مشترک و اصلی تمام آنها الگوی مذهبی عاشورا و آزادی و آزادگی یاران امام حسین و شبیه‌سازی بین قهرمانان آن واقعه و مبارزین انقلاب اسلامی و رزمندگان دفاع مقدس از بن‌مایه‌های اصلی شعر این شاعران است.

مبارزات قبل از انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس فصل تازه‌ای در زمینه‌ی شعر شهادت در ادب پارسی گشوده شد. شعر شهادت

در آثار این شاعران شعری است که ریشه در رگ شعر انقلاب دارد و بیشترین حجم محتوایی را به خود اختصاص بخشیده است. تداوم سال‌های دفاع مقدس و عروج عاشقانه‌ی شهیدان در واقع پشتوانه‌ی اصلی این نوع شعر در دوران پس از انقلاب اسلامی بوده است که در آن به تجلیل از مبارزان و ایثارگران پرداخته می‌شود.

سال‌های که مهم‌ترین و بیشترین آثار شاعران مورد مطالعه در این پژوهش منتشر شده است مقارن است با سال‌های تلاش برای پیروزی انقلاب اسلامی و حفظ آن. از این رو یکی از بن‌مایه‌های اصلی شعر آنها تشویق مردم به اتحاد و نیز نقش بر آب ساختن دسیسه‌های دشمنان خارجی است.

شاعران مورد مطالعه به عنوان شاعران متعهد، هنرمند را در صف اول جامعه و قدمی جلوتر از مردم عادی می‌دانند و همواره تلاش دارند تا روحیه‌ی مقاومت را در مردم تقویت و ارزش‌های ملی و مذهبی را حفظ نمایند. این شاعران نگاهی به اتفاقات آزادی خواهانه در سرتاسر جهان نیز دارند و مبارزات فلسطینی‌ها و حتی در پاره‌ای موارد افریقایی‌ها (مانند شعر طاهره صفار زاده) نیز بن‌مایه شعر آنها قرار می‌گیرد.

شاعران مورد مطالعه با شناخت همه جانبه از انقلاب اسلامی بر این نکته اذعان دارند که ایجاد عدالت از اصلی‌ترین اهداف نظام جمهوری اسلامی می‌باشد و برای همین در هر

کجا که نوعی بی‌عدالتی و تبعیض را دیده‌اند بلافاصله قلم در دست گرفته و فریاد اعتراض برآوردند؛ این نوع شعر به عنوان شعر اعتراض در تاریخ ادبیات انقلاب اسلامی جای باز کرده است؛ گاهی البته این اعتراض بیشتر شامل نوعی دل‌تنگی و گلایه‌ی خاموش می‌شود و گاهی نیز همراه با ارائه‌ی راهکار است.

نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد تا مولفه‌های دینی و قرآنی در شعر دو شاعر انقلاب اسلامی: علی موسوی گرمارودی و علی معلم دامغانی شناسایی و تجزیه و تحلیل شود. با توجه به اینکه شعر پدیده‌ای است هنری که در چهارچوب خاص جان می‌گیرد و در یک ساختار کلامی در قالب مشخصی معین ارائه شده و برخاسته از احساس و اندیشه خاص مشخص است به عنوان یکی از بارزترین حوزه‌های ادبیات تعلیمی برای دعوت مردم به اندیشه‌های دینی و آموزه‌های قرآنی مطرح است.

در این مقاله ابتدا مولفه‌های دینی و قرآنی بر مبنای باورهای دینی، آداب و رسوم دینی (نماز، عبادت و ...)، علاقه و ارادت به بزرگان دینی، اخلاق اسلامی و اشارات قرآنی در شعر هر یک از دو شاعر با استناد به نمونه‌های استخراج شده بحث و بررسی شد و در ادامه رویکرد دو شاعر به این مولفه‌ها به طور مقایسه‌ای نقد و تحلیل شد. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که بسامد

هر پنج مولفه و معیار تعیین شده در شعر هر دو شاعر بالاست و با توجه به ویژگی‌هایی از قبیل شخصیت مذهبی شاعر، خانواده‌ی متدینی که در آن رشد یافته است، مشارکت در مبارزات انقلاب اسلامی، نقش فعال در هنر متعهد پس از انقلاب اسلامی، در غالب اشعار هر دو شاعر بستر مناسبی برای ارائه‌ی مولفه‌های دینی و

قرآنی مورد مطالعه در این مقاله فراهم آمده است. همچنین از نظر کمیّتی در حالی که در شعر موسوی گرمارودی به باورهای دینی بیش از سایر مولفه‌ها توجه شده است در شعر معلم دامغانی اشارات قرآنی و به ویژه استفاده از قصص قرآنی نسبت به دیگر مولفه‌ها بسامد بالاتری دارد.

منابع

- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۲)، نگاهی به خوان هشتم، نامه پارسی، زمستان ۱۳۸۱، شماره ۳۵، صص ۷۹-۱۰۲
- معلم دامغانی، علی (۱۳۶۰)، رجعت سرخ ستاره، تهران: حوزه اندیشه و هنر اسلامی
- معلم دامغانی، علی (۱۳۷۹)، شاعر قبیله‌ی ما، تهران: کتاب نیستان
- موسوی گرمارودی، علی (۱۳۸۹)، بر آشفتن گیسوی تاک، تهران: سوره مهر
- موسوی گرمارودی، علی (۱۳۸۹)، تا محراب آن دو ابرو، تهران: سوره مهر
- موسوی گرمارودی، علی (۱۳۸۹)، خواب ارغوانی، تهران: سوره مهر
- موسوی گرمارودی، علی (۱۳۸۹)، سفر به فطرت گل و سنگ، تهران: سوره مهر